

شعر : رشید آ.

rashid36@web.de

بگسسته اند

مرا باکاسه، بشکسته اند
مرا در لبریز عشق بشکسته اند
مرا در آتش حرف دل بسته، بشکسته اند
که با تو من چه گویم،
که تو، مارا، در حق بشکسته ای

به طوفان دلان، از دل، بشکسته اند
به یار و یاوران، از دلدادگی، بشکسته اند
به ذلت داده، دل را، بشکسته اند
که یاران با تو و ما، همه، بشکسته اند

از تو مرا سایه، به دیدار بنشسته
از دلداد به دل، سایه دیدار بنشسته
از جور غمان، بر سحران، دیدار بشکسته
که یاری و یاوران، بر دل سختی تو، بشکسته اند

به اذان تو دل کاسب بشکسته اند
به مراد دل تو دهقان بشکسته اند
به ظلمت دیده دل تو، پری بشکسته اند
که دل و دلبر، از تو و از ما، بگسسته اند